

{ ۲ }  
{ ۳ }

کتابخانه

لغزله زلف آ شویو تسیا جیو ...  
ت کجه شایع ...  
هدد واقعا ...  
نظا ...  
اروازا

### اروازا

شماره یازدهم - اول قوس ۳۲۷ - سال ششم

## جنگی نامه

نسخه خطی منظوم در وصف دوم قرن سیزده هجری ...  
جنگی نامه ، رساله منظوم خصیصت که در موضوع جنگ اول افغان و انگلیس ( ۱۲۵۵ - ۱۲۵۸ هجری قمری ) از طرف یک شاعر کاتب ملی در هفت باب سروده شده ، شاعر جنگنامه خودش شامل جنگی بوده و وقایع جنگی چشمه بد خویشرا در بجزس تقارین برشته نظم کشیده است ، طوریکه کتاب نسخه خطی جنگنامه در آخر کتب مینویسد ناظم این اثر مردی از اهل فریه دیه بجی ، واقع در « دشت منار » بکنفرسخی شهر کابل بوده است ، مناسفانه نام ناظم در نسخه های خطی سبید و غیر مکتوب مانده اما بچه علمی هنوز نمیدانیم ، بعضی ها حدس میزنند ناظم جنگنامه میر فیض الدین بن میر امام الدین احمد متخلص به « درویش » بن سعدالدین احمد افعاری کابلی المعروف بسه و حاجی صاحب - یای منار و متصوف و شاعر مشهور فریه ده بجی است ، ولی اینجانب هنوز بچنین قناعتی نرسیده و فرصت تحقیق در بنوردن اباقه است .

اولین نسخه خطی جنگنامه چند سالی پیشتر از دکان بکنفر عطار کابلی بدست آقای سید محمد داود الحسینی خطاط معروف کابل افتاد که بلافاصله در کتابخانه شاهی اهدا نمود ، کاتب این نسخه در سال ۱۲۸۳ هجری قمری - بطوریکه در آخر رساله مذکور نوشته شده - محمد امین یسر ملک شیر کمال عمر خیل در مالی است که از گوشها نیز گران بوده است ، این نسخه نفیس چند صفحه از آغاز رساله افتاده دارد ، و چنانکه گفتیم در آخر رساله بجای نام ناظم سفید مانده است ، دو نقل ازین رساله در دست نویسنده معاصر آقای دوست محمد خان از هندوستان سفین میر نورخانه بدست می آید و این نسخه در کتابخانه

حافظ نور محمد خان و آقای امین الله خان زمریالی نیز میباشد ، که بعید نیست بهمت آقای حافظ مع حواشی و تحقیقات راجع به اسم و هودیت ناظم بشکل مستقل ویا افلاّ جزء مندرجات مجلات افغانی از قبیل آریانا و کابل در معرض انتشار و استفاده هموطنان گذاشته آید .

در هر حال باید گفت رساله کوچک و مختصر جنگنامه از نظر مطلق ادب ارزش بسیاری داشته و یک منظومه عاری بشمار است ، ولی از نظر تاریخ ادبیات افغانستان دارای قیمت و اهمیت شایانی است ، زیرا چنانکه معلوم است بعد از هجوم مغل یکهبار و بعد از سقوط دولت تیموریه افغانستان در قرن دهم هجری بار دیگر غلام و ادب و هنر افغانستان

دوره اسلام رو بسقوط نهاد که دامنه آن تا اواسط قرن یازدهم هجری کشیده شد ، در طول ایندوره در هجوم و تسلط اجنبی ، جنگهای خارجی و داخلی ، فقدان ویا ضعف و عدم اکتفا به دوانتهای داخلی فرصت اندک علم و هنر و تهذیب و تمدن قدیم ویا قبول تمدن و تهذیب جدید

عالم را بهمت افغانی نداده است که بگردوره طولانی و تاریک سقوط علمی و ادبی و انحطاط مدنی در تاریخ افغانستان باز شده آنها در علم ادبیات از دست رفته افغانی دریندوره چیزیکه بار دیگر تجلی نمود همان روح حماسی و رزمی ملت افغانستان است که در ادب فارسی و پشتوی مملکت چه کشتی و چه شغاهای ظهور نمود ، ولی این ظهور در روح حماسی مثل دوره های قدیم و شهنامه ها ویا دوره غزوی از قبح و جهانگیری سر چشمه نمیکرفت ، بلکه از دفاع وطن و حبیب قوم بهمان میبود ، خوشحال ترک فرخی نبود که از فتح هندوستان

افتخار نماید ولی او از تجاوز هندوستان احتیاجات ملت خویشرا مشغول میساخت ، بی بی سپینه شاعر پشتو زبان افغانستان هم غیرت قوم را در دفاع از هرات بزبان آتشین تعریف میکند . در طول یکقرن جنگهای دیگری که بین افغانستان و دولت هند انگیستی چه بشکل رسمی و چه بشکل ملی و محلی برپا آمد ، روح حماسی و رزمی مجددا در ادبیات شغاهای و کتبی ملت افغانستان چه فارسی و چه پشتو بیدار گردید ، البته قسمت بیشتر این ادبیات رزمی شغاهای بوده که تا امروز بشکل داستانها و قصص و منظومها و چهار بیتها ، سروده و ترانهها در سینه و زبان مردم افغانستان زنده و پایدار است .

اما آثار کتبی حماسی ایندوره هموار کمتر از ادب شغاهای در دست است که از وقایع جنگی اولین افغان و انگلیس حکایت میکنند ، مشهورترین این قبیل آثار همان منظومه معروف در لیدر نامه عمید کتبری (تألیف در حال ۱۳۶ هجری قمری) است که در مرور یکصد سال هنوز در قلوب و دماغ خوانندگان مؤثر است ، عکس العمل تأثیرات همین منظومه موافقت به تأیید مخالفین بشکل منظومه دیگری بعنوان «معارف کابل» بیان آمد ، ناظم معاریه کابل یکنفر شاعر بیگانه یرست و متملقی بنام قاسم علی در ماوراء سرحدات مشرقی افغانستان چون آنکه که آمیزه ایست منظومه فارسی و مغلطه انگلیزی ، او تا اندازه ای آثار تأثیر منظومه مهیج و مگر که از کبر نامه یکنفر و بهمین شبیه بود که رساله لویزودی در سال ۱۳۷۲ قمری در هندوستان بطبع رسید .

در افغانستان و هند پراکنده گردید . در حالیکه اکبر نامه با آنهمه مقبولیت و چلبا پستی که در هند و افغانستان داشت منحصر به نسخ قلمی مانده و تا هنوز در مرور یکصد سال نتوانست چنان بسط و بساط یابد که در هند و افغانستان پدید آید .

و اما منظومه جنگنامه اولین منظومه حماسی دوره حرب اول افغان و انگلیس است که بیشتر از همه و انهم در کانون و مرکز نقل جنگ افغان و انگلیز یعنی یا تحت کابل پر شده نظم کشیده شده است . این منظومه کوچک شرح میدهد که سران ملی افغانان از قبیل نائب امین الله خان ، اوکری ، عبدالسلام خان ، اجکرائی ، عبدالله خان ، سکندر خان و مهتابا بدین کابلی چگونه انگلیزها را بر سر کابل انگلیسی را در شهر کابل از بین بردند و کشتند کابلی ، منظم شه شجاع دست نشانده انگلیسها را مغلوب نمودند و هم از جنگهای شیردلی ، ای مهر و کاکر ، نغمهای انانکال خان نیز خیلی و مردم دایر زروث ، فرملی ، دهنونک کابل کورم جوزیستان ذکر ، و از شهادت شمس الدینخان و شهادت عبدالله خان و کله خوردن جنرال انگلیسی و تهور سایر پهلوانان ملی که در پیشانی صفوف خویش مقابل توپخانه دشمن میبایستیم سخن میراند تا آنکه وزیر اکبر خان از نوزادان میرسد و مردم غلبهائی فشانند دشمن را که محاصره و سران ملی چون معتمد شاه خان و خدا بخش خان و غیر هم سرداران انگلیسی را در قیاس اعلان کرده معدوم مینمایند . جنگنامه مینویسد که در جنگ دوماه ، بر ضدیک غنچهسکر انگلیسی مبارزه از طرف ده نفر زن و هفت نفر مرد افغانی شروع شد و جوانان قلعه فضل آباد و دزاخلیل و دگشته خیل و بعد رسیدند ، میر مراد و میر بادشاه و عباس جوان فرزند دشمنی و پیر مرد سواره درین میدان رستمانه جنگ نمودند ، زنان بی سلاح فریاد و خواجه چاشت ، هم میدان جنگ را نظاره میکردند تا یکصد و بیست نفری کشته و چهار نفر فرنگی از ترس مسلمان شدند .

جنگنامه همچنین جنگهای بزرگ و کوچک است که از آنجا که در هند و افغانستان اردوی انگلیس به تغلبه کابل و حرکت بجانب هند و دوماه هزار کشته دادند آنها از بلونک ، ناد تیزین ، و ازین رفتن بقعه السیف ایشان در دگشته ، سنگ ، و ناسنگ ، کلاخ ، و ماگتیمک و واسیر دادند تمام آنها ، و بالأخره رسیدن یک هزار نفر ایشان در دگشته ، حکایت می کنند ، جنگنامه مینویسد که جنرال های انگلیسی با صد هزار عسکر در هر گنج و گنار افغانستان ازین برده شدند ، و ازین بعد از رفتن وزیر اکبر خان به لغمان ، و ارتباط مغزی شه شجاع و انگلیزها ، و کشته شدن شه شجاع و اتفاق ناخوشی نیز کرد گنان افغانی را جمع به پسران شه شجاع و جنگ استاف ، و بالاخره مغایرت قطعی انگلیسها و تغلبه افغانان ، و دوباره هجوم بر امیر دوست محمد خان از هندوستان سخن میزند و در خانه مقدور شاهانه مییابد ایستادن و کلام جنگنامه ،

جنگ تپه بی بی ماهر و ...

یکی روز لات (۱) آن ... کبیر اور ...

به چونی (۲) دلش شد چو بختیار تنگ ...

همه لشکرش بود تنها سی هزار ...

بجایک عنانی سینه بر کشید ...

بیشه رسید هر طرف فوج فوج ...

ز سیدی مسلمان یکی صف شکن ...

همان عیدالله خان پهل تیغ زن ...

بیشه با فوج آمد چو پیشانی آ ...

ز دیگر علمها علم برده پیش ...

بوده بجیک فرنگی شتاب ...

در آن عرصه عربان نهنکی بدست ...

شده عکله زن چون همز بر دایر ...

همان پهلتن مرد لشکر پناه ...

در آن پیشه از جنبش و سوجها ...



(۱) لات اصطلاح افغانستان یعنی لورد Lord انگلیسی است ... (۲) یعنی فتاه عسکری ... (۳) جزایر چلی یعنی نوبچی انوی بخانه سبک ...

جنک نامه

هزار هزار بر آمد ز توپ و تفنگ  
 بر فصدن آمد کف طبل زن  
 که رفته خروشش بهر سید و میل  
 به است بر جنک مجمل عیان  
 دل کینه ور گشت بر جنک نرم  
 چقاچق برون شد ز سر نیزه ها  
 عنان بر کف تر کنازی میراد  
 کوی تیغ و که نیزه برده بدست  
 عنان کج سوی تپانبوله شدند  
 بکف حمله کردند در خشان نهنگ  
 بلان برزدن دست بالا گرفت  
 فتادند در فوج آن کافران  
 بیگانه ست تیرو بدیگر اجنام

چو شد مردو جانب صف آرا بجنک  
 چو کمر نایبان شد بگر نازدن  
 چنان کوس غرید بر پشت پیل  
 ز شور زهر رنگا رنگ بلان  
 علمها زجا پیش شد نرم نرم  
 به بق بق در آمد تبه قبه ها  
 امیران جباری جوانان کردی  
 سحر بسته پشت فرسهای مست  
 ز بس رخسها در تنگ ایو شدند  
 بها آمد از خروش و دزاد ز تفنگ  
 به میدان چو پراغچی پل گرفت  
 یو در حمله آمد صف غازیبان  
 ز هر سو برون گشت تیغ از نیام

ز پیشین چن جنک تا شام شدند  
 هر اسان شده پشت به گذاشتند  
 در آن روز در آمد همه هولناک  
 همان روز و شب لان بالا تیلان  
 مایبان هین جا به بریم و بس  
 در آن آباد در جام و بسزای  
 که تیا کم کشته لایت راه گریز  
 بکن آن باده لاله رنگ  
 مغانی و مطاکر توکم به بندم  
 کمر بهر جنک

ز پیشین چن جنک تا شام شدند  
 هر اسان شده پشت به گذاشتند  
 در آن روز در آمد همه هولناک  
 همان روز و شب لان بالا تیلان  
 مایبان هین جا به بریم و بس  
 در آن آباد در جام و بسزای  
 که تیا کم کشته لایت راه گریز  
 بکن آن باده لاله رنگ  
 مغانی و مطاکر توکم به بندم  
 کمر بهر جنک



موسیقی شهر کانیسی  
 در آن روز در آمد همه هولناک  
 همان روز و شب لان بالا تیلان  
 مایبان هین جا به بریم و بس  
 در آن آباد در جام و بسزای  
 که تیا کم کشته لایت راه گریز  
 بکن آن باده لاله رنگ  
 مغانی و مطاکر توکم به بندم  
 کمر بهر جنک  
 در آن روز در آمد همه هولناک  
 همان روز و شب لان بالا تیلان  
 مایبان هین جا به بریم و بس  
 در آن آباد در جام و بسزای  
 که تیا کم کشته لایت راه گریز  
 بکن آن باده لاله رنگ  
 مغانی و مطاکر توکم به بندم  
 کمر بهر جنک